

## ساختن «جوامع سالم»: چالش عصر ما<sup>1</sup>

رابرت گیلمن\*



تصویر: [www.context.org](http://www.context.org)

ساختن جامعه ای محلی، که ساکنین آن با خود و با طبیعت سازگار باشند کاری است دشوار اما شدنی.

### مقدمه مترجم

آیا می خواهید در جامعه ای زندگی کنید که در آن مسایلی چون بیکاری، تورم، رکود اقتصادی و اجاره نشینی وجود ندارد؟ آیا زندگی در جامعه ای را می پسندید که در آن به برکت غذای سالم، ارزان و تازه و محیطی آرام، ایمن و پاکیزه، بیماری نادر و سلامتی غالب است؟ آیا شأن انسان را، به واسطه کرامتی که خداوند به او ارزانی داشته است، بیشتر از کیفیت ناسالم و پر تنش زندگی در جوامع به اصطلاح مدرن امروز می دانید؟ آیا باور می کنید که با همکاری دیگران می توانید جامعه ای بسازید که همزمان از صفا و آشنایی محیط کوچک روستا و امکانات آموزشی، فرهنگی و رفاهی شهر بهره مند باشد؟ اگر پاسخ شما به این سوالات «آری» است، نوشته زیر با معرفی ساختار اجتماعی «جامعه سالم» (همچنین موسوم به «دهکده سالم» یا «روستای نوظهور»)، گام های بنیادین برای طراحی و تاسیس چنین جامعه ای را برای شهروندان علاقمند توصیف می کند.

از زمان نگارش این متن، ۲۵ سال می گذرد. اما به رغم گذشت این مدت نسبتاً طولانی، مطالعه این سند هنوز از تازگی و غنای قابل توجهی برخوردار است چرا که تعاریف و اصول یاد شده در آن کماکان مورد استفاده فعالان این حوزه است. همچنین پیش بینی های آن برای گسترش جهانی این مدل توسعه همه جانبه محلی، چندین برابر آنچه در زمان انتشار آن انتظار می رفت، محقق شده است. این در حالی است که در چند دهه اخیر، پیروی از مفاهیم مبهم و سیاست های نافرجامی چون «توسعه روستایی» و «توسعه شهری»، موجب کاهش کیفیت زندگی و افزایش آسیب پذیری و وابستگی بیشتر جهانیان در هر دو محیط شده است. در همین مدت، جوامع سالم جهان توانسته اند با اتخاذ رویکردی سیستمی به شناسایی و حل مسایل امروز توسعه، نه تنها الگوهای امیدبخشی در علم و فناوری به وجود آورند، بلکه با

<sup>1</sup> این نوشته، ترجمه دو مقاله زیر است. کلیه پانویست ها از مترجم است:

-Robert Gilman. 1991. The Eco-village Challenge. *In Context*, no. 29, Summer. (accessed 11 May 2016) [www.context.org/iclib/ic29/gilman1](http://www.context.org/iclib/ic29/gilman1)

-Robert Gilman. 1991. Guidelines For Eco-Village Development: Eight steps to creating your own sustainable community. *In Context*, no. 29, Summer. (accessed 11 May 2016) [www.context.org/iclib/ic29/gilman2](http://www.context.org/iclib/ic29/gilman2)

ایجاد الگوهای اقتصادی نوین و کارآمد<sup>۲</sup>، جبهه ای مقتدر برای مقاومت در برابر سیاست های اقتصاد جهانی تشکیل دهند.<sup>۳</sup> دستاوردهای این جوامع در واقع راهی برای تکامل اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه های انسانی در آینده را ترسیم کرده است. جزییات مفصل این دستاوردها، از طریق شبکه جهانی اینترنت، برای کلیه علاقمندان به اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی قابل دسترس است.<sup>۴</sup>

همانطور که خواهید خواند، طراحی و توسعه یک جامعه سالم در محیط شهری یا روستایی، پیرو یک ایدئولوژی یا برخاسته از یک نظام فرهنگی خاص (آمریکایی، اروپایی ...) نیست، بلکه عین کاربست اخلاق و اعتدال در جامعه است، حکمتی که در فرهنگ ما ایرانیان ریشه ای دیرینه دارد. در عین حال، آندسته از جهانیان که تا کنون موفق به ساختن یک جامعه سالم شده اند به تجربه دریافته اند که «فرآیند جامعه سازی» در راستای توسعه یک روستای نوظهور، مستلزم رعایت ترتیبی خاص و کاربست مهارت های ویژه ای است. در این نوشته خوانندگان، ضمن کسب آگاهی از تعریف و اهداف جوامع سالم، به طور خلاصه با این نکات نیز آشنا خواهند شد.

علاوه بر آحاد مردم که علاقمند به نقش آفرینی بیشتر در راستای کاهش مسایل اقتصادی خود اند، تاریخ توسعه جوامع سالم در جهان دارای آموزه های قابل توجهی برای برنامه ریزان، سیاستگذاران و دیگر مسئولین کشورها نیز هست. موفقیت این ساختار جدید اجتماعی برای ایجاد سکونتگاه های پیشرفته انسانی عملاً نشان داده است که تا چه حد نقش آفرینی مردم در ایجاد «سیستم های مردمی» برای تحقق اقتصاد مقاومتی و ساختن آینده ای سالم، پایدار و عادلانه ضروری است.<sup>۵</sup> گسترش سیستم های مردمی در سطوح مختلف به برنامه ریزان و سیاستگذاران اجازه می دهد که از

---

<sup>۲</sup> به موجب موفقیت های این گروه از فعالان اقتصادی و هم اندیشان ایشان، نهضتی اقتصادی با نام «اقتصاد نو» در جهان به سرعت رو به رشد بوده است. جالب توجه اینکه، این نهضت مقاومتی در اقتصاد، از جنبه ای قوی در حکمت و معنویت نیز برخوردار است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به:

- جیمز رابرتسون. ۱۹۹۲. دین و حکمت در اقتصاد: راهی نو. ترجمه اسفندیار عباسی. سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۱۵ خرداد ۱۳۹۵) [www.eabbassi.ir/pdf/article\\_economics\\_neweconomyRobertson.pdf](http://www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_neweconomyRobertson.pdf)

<sup>۳</sup> برای مطالعه بیشتر در مورد نقش جوامع سالم و محله های سالم شهری در جبهه مقاومت، بنگرید به:

- اسفندیار عباسی. ۱۳۹۴. تحقق اقتصاد مقاومتی در دیگر جوامع، چرا و چگونه: مردم سالاری با نقش آفرینی مردم و سیاستگذاری مساعد. سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵)

[www.eabbassi.ir/pdf/article\\_economics\\_demmultiresieconAbbassi.pdf](http://www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_demmultiresieconAbbassi.pdf)

همچنین برای آگاهی از اولین جامعه سالم در نوار غزه، بنگرید به:

- Aisha Mansour. An Eco-Village in Palestine. *Resilience*. (accessed 29 May 2016)  
<http://www.resilience.org/stories/2016-05-03/an-eco-village-in-palestine>

<sup>۴</sup> [www.gen.ecovillage.org/](http://www.gen.ecovillage.org/) شبکه جهانی دهکده های سالم Transition network

[www.transitionnetwork.org/](http://www.transitionnetwork.org/) شهرهای در حال گذار - محله های سالم

<sup>۵</sup> برای آگاهی بیشتر در مورد «علم سیستم ها» و تفاوت بین «سیستم های مردمی» و «سیستم های جهانی»، بنگرید به:

- اسفندیار عباسی. ۱۳۹۵. کسی بیکار نیست: کارآفرینی اجتماعی با طراحی سیستمی. سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵) [www.eabbassi.ir/pdf/article\\_culture\\_syssocentrepAbbassi.pdf](http://www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_syssocentrepAbbassi.pdf)

برنامه ریزی متمرکز از بالا به پایین و اجرای طرح های پیشنهادی سازمان های بین المللی فاصله بگیرند و در راستای اتخاذ سیاستگذاری های مساعدی که به تقویت خودتکایی و خودکفایی ملی کمک می کند گام بردارند.<sup>۶</sup>

برای بشر امروز، در این سالهای پایانی قرن بیستم، همزیستی با طبیعت و با یکدیگر آرمانی ایده آل اما دست نیافتنی به نظر می رسد. آیا واقعاً می توان به این رویا جامعه عمل پوشانید؟ چه فعالیت هایی ما را به سوی چنین آینده ای سوق خواهد داد و این فرآیند دشوار را آسان خواهد کرد؟ در این شماره از مجله<sup>۷</sup>، می کوشیم تا به این سوالات پاسخ بگوییم. همچنین تلاش خواهیم کرد که احتمال عملی بودن رویکردی جدید و مستعد به همزیستی مردم باهم، که «جامعه سالم»<sup>۸</sup> نام گرفته است را تشریح کنیم.

---

همچنین برای مطالعه بیشتر در مورد نهادسازی به عنوان ابزاری در دست قدرت های بزرگ برای نفوذ سیستمی در جوامع کهن، بنگرید به: [www.eabbassi.ir/localdevelopment\\_institutions\\_more.htm](http://www.eabbassi.ir/localdevelopment_institutions_more.htm)

<sup>۶</sup> به لحاظ پیروزی های قابل توجهی که جوامع سالم جهان در مقاومت در برابر نظام اقتصاد جهانی به دست آورده اند، «فرآیند جامعه سازی» یکی از دروس دوره «اقتصاد مقاومتی با مدیریت جهادی» قرار گرفته است. این دوره کارشناسی ارشد برای ارائه در دانشگاه هایی که برای مشارکت در تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران مصمم اند از سوی سایت «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» طراحی شده است. برای معرفی چندی از دانشگاه های پیشرو جهان که دوره هایی مشابه به شهروندان و حرفه مندان خود ارائه می کنند، بنگرید به:

– اسفندیار عباسی. ۱۳۹۴. جهانی شدن، از گونه ای دیگر: نقش آفرینی مردم، اقتصاد مقاومتی و فرهنگ انتظار. سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵)

[www.eabbassi.ir/pdf/article\\_culture\\_epiclivingAbbassi.pdf](http://www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_epiclivingAbbassi.pdf)

<sup>۷</sup> منظور نویسنده مجله *In Context* است. شماره ۲۹ این مجله که در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسید به انتشار تجارب «جوامع سالم» یا «دهکده های سالم» در نقاط مختلف دنیا اختصاص یافته است. این شماره و دیگر شماره های این مجله را در آدرس اینترنتی زیر بیابید: [www.context.org](http://www.context.org)

<sup>۸</sup> همانطور که در متن این مقاله می خوانید، «جامعه سالم» ساختار اجتماعی جدیدی برای سکونتگاه های انسانی است. نام این جوامع پیشرو در زبان انگلیسی «اکو- ویلج» قرار گرفته است. «ویلج» در انگلیسی یعنی دهکده یا روستا. و پیشوند «اکو» قبل از اسم هر چیز، حاکی از «سبز» بودن و سازگاری کامل آن چیز با محیط زیست و طبیعت است. برای پرهیز از کلمات نامانوس خارجی در این متن و دیگر متونی که از سوی سایت «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» در مورد این جوامع نوآور منتشر شده است، از عنوان «جامعه سالم»، «دهکده سالم» یا «روستای نوظهور» به جای «اکو- ویلج» استفاده شده است. این جوامع، در مناطق شهری و روستایی و در تمامی قاره ها، در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان، پراکنش گسترده ای یافته اند. ساختاری مشابه مشخصاً در مناطق شهری نیز به وجود آمده است. برای نامیدن این جوامع در زبان انگلیسی از عبارتی استفاده می کنند که معنی لغوی آن در فارسی «شهرهای در حال گذار» است. معادل فارسی برای نام این جوامع را «محلله های سالم» یا «محلله های سالم شهری» قرار داده ایم. محلله های سالم، نوظهور ترند و تا کنون بیشترین پراکنش خود را در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی

تاکنون تعریفی کلی و همه پسند برای «جامعه سالم» ارائه نشده است. جا دارد که در آغاز این شماره از مجله که به این بحث اختصاص یافته است، سعی کنیم چنین تعریفی ارائه دهیم: «جامعه سالم، سکونتگاهی تمام عیار در مقیاسی انسانی است که در آن فعالیت های انسان ها بدون آسیب رساندن به طبیعت انجام می گیرد به نحوی که هم حامی توسعه انسانی سالم است و هم به صورت پایدار، قابل ادامه در آینده است.»<sup>۹</sup>

در این تعریف، «مقیاس انسانی»، عبارتی کلیدی است. منظور از مقیاس انسانی این است که در چنین جامعه ای اهالی باید یکدیگر را بشناسند. در جوامع بزرگ امروز، به علت کثرت جمعیت، شهروندان غالباً باهم غریبه اند و غالباً تصمیم گیری ها توسط افرادی انجام می شود که به صورت حرفه ای به این کار گمارده شده اند. در یک جامعه سالم، آشنایی مردم با هم به آنها اجازه می دهد که همه اهالی در انتخاب سمت و سویی که می خواهند جامعه آنها در آن حرکت کند صاحب نظر و شریک باشند. شواهد موجود حاکی است که چه در جوامع صنعتی و چه در دیگر فرهنگ ها، سقف جمعیتی چنین جامعه ای در حدود ۵۰۰ نفر است. اگرچه در مواردی این رقم به ۱۰۰۰ هم می رسد. اما این رقم بالاتر معمولاً در جاهایی دیده می شود که ما با جامعه ای قدیمی تر و یا دورتر از مراکز جمعیتی سرو کار داریم. اما به طور کلی، در جوامع مدرن و صنعتی امروز، جوامع سالمی که تشکیل شده اند غالباً کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت دارند.

«سکونتگاه تمام عیار» دومین ویژگی جوامع سالم است. منظور از سکونتگاه تمام عیار، زیستگاهی برای انسان هاست که در آن انجام کلیه فعالیت ها و مرتفع کردن تمامی نیازهای زندگی عادی مردم، از جمله مسکن، غذا و پوشاک، مصنوعات ضروری، تفریح و گذران اوقات فراغت، معاشرت و داد و ستد با دیگران، در محل، امکانپذیر است. در غالب سکونتگاه های امروزی در جوامع صنعتی، چه در نواحی روستایی و چه در مراکز شهری و حومه، کاربری اراضی از هم جدا و منطقه بندی شده است؛

---

داشته اند. برای اطلاع بیشتر در مورد هر دو ساختار و آشنا شدن با برخی از این جوامع پیشرو، بنگرید به منابع معرفی شده در پانوش ۳ و به صفحه «تورهای مقاومتی» در آدرس اینترنتی: [www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2\\_tours.htm](http://www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2_tours.htm)

<sup>۹</sup> بخش دیگری از این تعریف که بعد از این توسط نویسنده به آن اضافه شد این است که «در جوامع سالم، ابتکار عمل به شخص یا گروه خاصی محدود نیست و ایده های نو از سوی همه اعضا تشویق می شود.»

برخی از مناطق «مسکونی» اعلام شده اند، برخی «اداری»، برخی «تجاری» و غیره. هر یک از این منطقه بندی ها معمولاً محوطه بسیار وسیعی را در بر می گیرد به صورتی که رفتن از یک منطقه به منطقه دیگر واقعاً از مقیاس انسانی خارج است. در جوامع سالم چنین نیست. در این جوامع، کلیه نیازهای ساکنین در محدوده ای قابل دسترس و نزدیک به هم واقع شده اند به صورتی که برای رسیدن به مقاصد مختلف، استفاده از وسایل نقلیه موتوری ضروری نیست.

در سکونتگاه های تمام عیار سالم، جامعه به سوی خوداتکایی و خودکفایی حرکت می کند. اما منظور از این هدف این نیست که جامعه سالم راه انزوا از جهان پیرامونی خود را بیساید. در شکل ایده آل خود، در یک جامعه سالم به اندازه کافی فرصت های شغلی به وجود می آید که کسی بیکار نباشد. اما در جوامع سالم امروز و احتمالاً در آینده، مواردی هست و خواهد بود که نیروی کار از بیرون برای انجام کارهای ویژه به درون جامعه راه یابد. همچنین مواردی هم وجود خواهد داشت که در آن نیروی انسانی از جوامع سالم، در محیط خارج از جامعه خود به کار مشغول شود. و البته خدمات ویژه ای هم هست که هر جامعه کوچکی قادر به ارائه آنها نیست، مثل خدمات کامل بیمارستانی، امکانات فرودگاهی و نظیر اینها. اما کاملاً متصور است که چند جامعه سالم که در کنار هم یا در نزدیکی هم قرار گیرند، بتوانند با تعاون و مشارکت، هرگونه تأسیسات بزرگ نظیر اینها را نیز به کمک هم برای بهره گیری مشترک خود به وجود آورند.

ویژگی سوم جامعه سالم این است که «در آن فعالیت های انسان ها بدون آسیب رساندن به طبیعت انجام» گیرد. جوامع سالم از آن جهت سالم اند که برای تأمین نیازمندی های ساکنان آن، آسیبی به طبیعت وارد نمی شود. یکی از مهم ترین جنبه های این اصل، اعتقاد به برابری حیات بین کلیه موجودات است. افرادی که در جوامع سالم زندگی می کنند، از آسیب هایی که در جوامع صنعتی به طبیعت وارد شده است آموخته اند که بشر متکبری که خود را برتر از دیگر موجودات می پندارد از تصاحب و بهره کشی ویرانگر از طبیعت، انسان ها و دیگر موجودات آن ابایی ندارد. اهالی جوامع سالم در پی تسخیر طبیعت و چیره شدن بر موجودات آن نیستند بلکه می کوشند تا جایگاه سازنده خویش را در آن بیابند. یکی دیگر از اصول مرتبط با طبیعت در میان اهالی جوامع سالم، اعتقاد مشترک ایشان به «چرخشی» بودن امر مصرف است. در جوامع عادی، استخراج منابع زمین جهت دستیابی به مواد اولیه برای تولید مصنوعات، استفاده موقتی از این مصنوعات و سپس دور ریختن آنها به عنوان زباله، امری عادی شده است. اعتقاد به ضرورت احترام به چرخه های طبیعت، ساکنین جوامع سالم را

به سوی استفاده از انرژی های تجدیدپذیر (مثل انرژی خورشیدی و بادی) و پرهیز از انرژی های حاصل از احتراق سوخت های فسیلی سوق داده است. از سوی دیگر، اهالی این جوامع، بر بازیافت زباله های تر (مثل زباله های گیاهی آشپزخانه ها و مزارع و باغچه ها) توسط فرآیند کامپوست سازی و بازگرداندن کود گیاهی بدست آمده به خاک اصرار می ورزند و از فرستادن این نوع دور ریزها به زباله دانی اجتناب می ورزند. اهالی جوامع سالم استفاده از شبکه فاضلاب که پساب خانه ها را به مکانی دوردست هدایت می کند را نمی پسندند. ایشان بهره گیری از فناوری های مناسب جهت تصفیه انواع پساب و بازگرداندن بهداشتی فضولات انسانی به خاک در محل را ترجیح می دهند.<sup>10</sup>

بر اساس پایداری جوامع سالم به سلامت طبیعت، اهالی این جوامع استفاده از هرگونه مواد شیمیایی که برای سلامت طبیعت و موجودات آن زیانبار باشد را جایز نمی دانند.

چهارمین ویژگی جامعه سالم می طلبد که این سکونتگاه ها به نحوی طراحی شوند که «حامی توسعه انسانی سالم» باشند. این ویژگی اذعان می کند که جامعه سالم نهایتاً برای زندگی انسانهاست. یعنی بدون رعایت سلامتی و بهداشت ساکنین، موفقیت این جوامع به هیچ وجه امکان پذیر نیست.

اما منظور از «توسعه انسانی سالم» چیست؟ اگر بخواهیم تعریف کاملی بدست دهیم، چه بسا در یک کتاب هم ننگند. در اینجا به بیان همین نکته بسنده می کنیم که برای رسیدن به اینگونه توسعه می باید همزمان به سلامت، رشد و تکامل همه جانبه زندگی یک انسان اندیشید، مثل رشد فیزیکی، فکری، عاطفی و معنوی. این نیازهای رشد انسان نه فقط در زندگی فردی شخص، بلکه به شکلی جامع تر می باید در زندگی جمعی اعضای جامعه با هم نیز مدنظر قرار گیرد.

و آخرین ویژگی جامعه سالم می طلبد که زندگی در این جوامع «به صورت پایدار قابل ادامه در آینده» باشد. این ویژگی در واقع بیان اصل پایداری جوامع سالم است که ساکنین آنها را نسبت به پایداری روش ها و رفتارهای خود متعهد می سازد. شکی نیست که بدون رعایت این اصل هم می توان طی مدت کوتاهی، سکونتگاهی تمام عیار در مقیاس انسانی که فقط در ظاهر با محیط طبیعی پیرامون خود سازگار است را به وجود آورد. اما چنین جامعه ای در واقع، به صورتی نامحسوس و ناآشکار، با بهره کشی از سرمایه های طبیعی جوامع دوردست زنده خواهد بود.

<sup>10</sup> برای مطالعه در مورد نمونه هایی از فناوری های مناسب، از جمله فناوری های مناسب برای مدیریت آب و پساب در محل،

اما اصل پایداری فقط به منابع طبیعی و محیط زیست محدود نمی شود و دیگر حوزه های توسعه جامعه سالم را نیز در بر می گیرد. برای مثال، اگر جمعیت یک جامعه کم و بیش به یک گروه سنی محدود شود، مثلاً جمعیت بزرگسال غالب و جمعیت خردسال قلیل باشد، آن جامعه پایدار نیست. تعهد جامعه سالم به این اصل همچنین کیفیت روابط انسانی را نیز در بر می گیرد. رعایت عدالت و پابندی به عدم بهره کشی از دیگر انسان ها در جامعه و پرهیز از بی رحمی و خشونت نسبت به دیگر موجودات در طبیعت، نیز از دیگر تجلیات پیروی از اصل پایداری است.

تا کنون، جوامع سالم هم در نواحی روستایی و هم در مناطق شهری به وجود آمده اند. اگر چه کل یک شهر بزرگ را نمی توان به یک جامعه سالم تبدیل کرد، محله های یک شهر بزرگ را می توان در مقیاس انسانی به جوامع سالم شهری تبدیل کرد. شهری که مجموعه ای از محله های سالم را در بر می گیرد را می توان یک جامعه پایدار شهری نامید.

### حرکت به جلو، نه به عقب

ممکن است خیلی ها پرسند که اگر جامعه سالم چنین مکان ایده آلی برای زندگی انسان هاست، پس چرا همه مردم همین حالا در چنین جوامعی زندگی نمی کنند؟ گاه به این سوال اینگونه پاسخ می دهند که بسیاری از انسان ها امروزه در جوامعی مشابه با جوامع سالم زندگی می کنند که همان روستاهای سنتی جهان اند. در این روستاها مردم کماکان به فعالیت های کشاورزی مشغول اند. این صاحب نظران همچنین اضافه می کنند که جوامع سنتی جهان، الگوهای خوبی برای جوامع سالم عصر ما هستند و اظهار می دارند که برای دستیابی مجدد به سازگاری با طبیعت و با دیگر انسان ها تنها کاری که باید انجام بدهیم این است که به زندگی سنتی گذشته بازگردیم. من با این جواب مخالف ام.

بی تردید ما می توانیم درس های فراوانی از روستاییان جهان بیاموزیم و آری، این سکونتگاه های سنتی هنوز نیمی از جمعیت جهان را در خود اسکان می دهند. اما در عین حال، غالب جهانیان، از جمله تعداد کثیری از ساکنین همین روستاها، جوامع سنتی روستایی را سکونتگاه های تمام عیار و یا مکانی برای توسعه انسانی سالم نمی دانند. کار طاقت فرسا، امید به زندگی پایین، فرصت های نادر برای پیشرفت فردی و تحصیل علم و فقدان تنوع در کار و مشاغل، از جمله خصوصیات مشترک روستاهای سنتی است که نامطلوب پنداشته می شود.

علاوه بر این، سازگاری این روستاها با محیط طبیعی خود، غالباً مرهون کمی جمعیت این سکونتگاه‌ها در گذشته بوده است. با افزایش جمعیت، این سازگاری دیگر وجود خارجی ندارد. مثلاً روستاهای سنتی جهان عموماً از سه روش کلی در کشاورزی استفاده می‌کردند: سوزاندن اراضی جنگلی برای زراعت<sup>۱۱</sup>، زراعت دیم و زراعت آبی. در شرایط کنونی، سوزاندن اراضی جنگلی برای زراعت از لحاظ زیست محیطی و منابع طبیعی ویرانگر، ناپایدار و کاملاً مردود است. حتی در گذشته، این روش تنها وقتی جوابگو بود که جمعیت روستا متراکم نبود. کشت آبی نیز به طور پایدار قادر به حمایت از جمعیت‌های متراکم‌تر نبوده است. تاریخ تمدن‌های بزرگ جهان که به واسطه عدم پایداری کشت و زرع آبی، قوس صعودی و نزولی خود را به سرعت طی کرده و نابود شدند گواهی روشن بر ناپایدار بودن این روش زراعی است.

و دست آخر اینکه، روستاهای سنتی را به هیچ وجه نمی‌توان الگویی مثال‌زدنی برای سازگاری و هماهنگی بین انسان‌ها برشمرد. از منظر فرهنگ امروز، زندگی روستایی به شیوه سنتی، به طور غیر قابل قبولی، مردسالار بوده است و بیرون از محیط خانواده نیز، کینه توزی، سوء ظن و عدم اعتماد بین اهالی یک روستا، بین اهالی دو روستای همسایه و نسبت به افراد غیر روستایی، از جمله رفتارهای ناکارآمد مشترک در بسیاری از روستاهای سنتی بوده است.

در جوامع سالم، گرچه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی هر دو دیده می‌شود، اما از نظر تکامل جوامع بشری، این جوامع را می‌توان فراکشاورزی و فراصنعتی خواند. جوامع سالم، آموختن از تجارب تمامی جوامع انسانی گذشته را جایز می‌دانند، اما به هیچ وجه مبنای کار خود را بر بازگشت به دورانی از دوران‌های قبل قرار نداده‌اند.<sup>۱۲</sup>

<sup>11</sup> slash and burn

<sup>12</sup> البته این به این معنی نیست که اهالی یک روستای سنتی نمی‌توانند با بهره‌گیری آگاهانه و عامدانه از فناوری‌های مناسب و توجه به اصل عدالت و پایداری در جامعه و طبیعت، سکونتگاه سنتی خود را به یک جامعه سالم بدل کنند. کما اینکه جامعه سالم «یوف» و ۳۱ روستای سنتی دیگر در کشور سنگال و مجموعه‌ای از صدها روستای سنتی عضو نهضت «ساروودایا» در کشور سری لانکا از این نمونه روستاهای سنتی‌اند که به شکل جامعه سالم توسعه یافته‌اند. برای اطلاع بیشتر در مورد جوامع سالم در این دو کشور، بنگرید به:

جوامع سالم در سنگال [www.gensenegal.org/ecovillages.htm](http://www.gensenegal.org/ecovillages.htm)

جوامع سالم در سری لانکا <http://ecovillagebook.org/ecovillages/sarvodaya>



تلاش بشر در دهه های اخیر برای تشکیل جوامع سالم برخاسته از عوامل زیر است که نیازها و فرصت های جدیدی به وجود آورده است:

#### ▪ محدودیت منابع طبیعی

این محدودیت ها با افزایش جمعیت بشر و بالا رفتن بی سابقه توان فناوری ها در بهره برداری سریع تر از منابع، بیش از پیش آشکار شده است.

#### ▪ ابداع روش ها و فناوری های مناسب

این مجموعه رو به رشد از فناوری های برتر، شامل روش های جدید مطالعه سیستم های طبیعی، روش های متنوع تر ارتباطی بین افراد و سازمان ها، فناوری های بهره گیری از منابع تجدیدپذیر و ساختارهای جدید برای شکل سازی و همکاری بیشتر بین انسان هاست.

#### ▪ ترویج معرفت و آگاهی بیشتر مردم به یگانگی حیات

نماد این آگاهی، تصویر سیاره زمین در پهنه وسیع فضای لایتناهی است که توسط فضانوردان گرفته شده است. این نماد تداوم چندین میلیارد سال تاریخ تکامل حیات و نیز درهم پیوستگی سرنوشت همه اقوام و ملل ساکن در این سیاره کوچک را نشان می دهد.

دلیل دیگر تاخیر در ظهور تعداد بیشتری از جوامع سالم تا کنون این است که به رغم شواهد رو به فزونی و انکار ناپذیر عدم پایداری جامعه صنعتی، نگرش صنعتی به توسعه از اینرسی چند صد ساله نهادسازی و توسعه سرمایه و فناوری برخوردار است. با توجه به ساختارهای اجتماعی و زیرساخت های عظیم اقتصادی که در این مدت برای پیشبرد اهداف توسعه صنعتی استقرار یافته است، برای مردم بسیار ساده تر بوده است که به عادات و روش های ناپایدار متداول خود ادامه دهند و به آفرینش ساختار اجتماعی جدیدی که پایدار باشد نیندیشند.

پس پاسخ به این سؤال که چرا هنوز همه ما ساکن جوامع سالم نیستیم نسبتاً ساده و روشن است: آگاهی عمومی نسل حاضر در مورد نیازها و فرصت هایی که در بالا برشمردم به قدری جدید است که

<sup>13</sup> برای مطالعه بیشتر در مورد ترویج معرفت در جهان و تاثیر آن بر نقش آفرینی گسترده تر مردم در امور، بنگرید به:

- اسفندیار عباسی. ۱۳۹۴. جهانی شدن از گونه ای دیگر: نقش آفرینی مردم، اقتصاد مقاومتی و فرهنگ انتظار. سایت اطلاع رسانی

«در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۸ خرداد ۱۳۹۵)

فرصت کافی برای تأمل و اندیشه پردازی در مورد آنها را نداشته است. ما تازه در آستانه ورود به دوران جدیدی از تکامل اجتماعی بشر گام نهاده ایم و لذا می توانیم انتظار داشته باشیم که عمده روش ها و دستاوردهای جدید بشر در این دوره جدید در سال ها و دهه های پیش رو تبلور و توسعه یابد.

### چالش های تشکیل جوامع سالم

اگرچه امروز تأسیس یک جامعه سالم در مقایسه با ادامه روش ها و عادات متداول در جامعه صنعتی، هنوز گزینه ای دشوار تر به نظر می رسد، اما به گواهی مقالاتی که در همین شماره از مجله به چاپ رسیده است، جمعی از مردم جهان در چند دهه گذشته (و حتی می توان گفت، پیشگامانی که خیلی پیش تر قدم در این راه نهادند) کارهای نوآورانه ای در این راستا انجام داده اند. برای درک ابعاد مسائلی که این پیشگامان با آنها روبرو بوده اند، مطلوب است که نگاهی فهرست وار به چندی از چالش های تأسیس یک جامعه سالم بیفکنیم:

#### • چالش سیستم های زیستی

تحقق آرمان های جوامع سالم مبنی بر اینکه «فعالیت های انسان ها بدون آسیب رساندن به طبیعت انجام گیرد»، می طلبد که ساکنین این جوامع راه هایی سازگار با طبیعت برای انجام امور زیر بیابند:

- محافظت از زیستگاه های طبیعی
- تولید غذا، چوب و دیگر منابع زیستی در محل
- فرآوری و تبدیل ضایعات طبیعی قابل بازیافت در محل
- خنثی سازی ضایعات شیمیایی که از قبل به جامعه و محیط طبیعی پیرامون آن تحمیل شده است.
- بازیافت کلیه ضایعات خشک
- تصفیه پساب جامعه در محل
- کاستن از خسارات زیست محیطی ناشی از موادی که از خارج به جامعه سالم راه یافته است.
- پیشگیری از خسارات زیست محیطی ناشی از مصرف و دور انداختن هرگونه کالای تولیدی جامعه سالم در محیط بیرون.

#### • چالش ساخت و ساز

تحقق آرمان بالا همچنین می طلبد که ساکنین جوامع سالم،

- با مصالحی ساخت و ساز کنند که از نظر بوم شناختی بی خطر است.
- از منابع تجدیدپذیر انرژی در گرمایش و سرمایش سازه های خود بهره گیرند.
- ضایعات جامد، مایع، و گازی سازه ها را به گونه ای دفع کنند که آسیبی به طبیعت پیرامونی نرسانند.
- نیاز به حمل و نقل موتوری را به حداقل برسانند.
- سازه ها را به گونه ای بسازند که تأثیر نامطلوب آنها در طبیعت به حداقل ممکن برسد.

برای تحقق دستیابی به هدف «توسعه انسانی سالم»، ضروری است که سازه ها در جامعه سالم،

- ترکیب متناسبی از فضاهای عمومی و خصوصی باشد.
- تعامل اجتماعی و مشارکت بین اعضای جامعه را تشویق کند.
- مجموعه متنوعی از فعالیت ها را امکان پذیر سازد.<sup>۱۴</sup>

#### ● چالش سیستم اقتصادی

برای اینکه جامعه سالم «سکونتگاهی تمام عیار» باشد و در ضمن «توسعه انسانی سالم» را نیز امکان پذیر سازد، فعالیت های اقتصادی درون جامعه می باید متنوع و فراگیر باشد. استثمار دیگران و بی عدالتی در جامعه با اصل پایداری در تضاد است لذا ضروری است که فعالیت های اقتصادی اهالی بر بهره کشی از دیگر افراد، در محل و دیگر جاها، یا بهره برداری از آینده برای منافع نسل کنونی، استوار نباشد.<sup>۱۵</sup> برای تصمیم گیری ها در حوزه اقتصادی، با هدف تحقق عدالت و پرهیز از بهره کشی، یافتن پاسخ به سؤالات کلی زیر در ابتدای تشکیل جامعه سالم سودمند است:

- فعالیت های اقتصادی پایدار کدام اند؟ (هم از این نظر که معیشت و درآمد کافی اهالی در درازمدت تامین شود و هم از این لحاظ که برای طبیعت، پیامدهای زیانبار و فرسایشی نداشته باشد).
- مالکیت چه بخش هایی از جامعه باید به صورت جمعی و چه بخش هایی ملک خصوصی باشد؟
- مشخصاً در مورد سازه ها و اراضی، چه نوع مالکیت، خصوصی یا عمومی، انتخاب خواهد شد؟

<sup>14</sup> مثلاً سازه های مسکونی که بتوان از آنها برای کاربری های شغلی نیز استفاده کرد، از نیاز ساکنین به تردد می کاهد.

<sup>15</sup> گرفتن وام بانکی به جای دعوت دیگران برای مشارکت در انجام کارها به صورت تعاونی، از نمونه های بارز و متداول بهره برداری از آینده برای مصارف امروز است. مثال دیگر استفاده از چاه های عمیق و نیمه عمیق به جای استفاده از چشمه ها و قنوات است. برای نمونه ای کاربردی از بهره برداری از منابع امروز برای بهره دهی امروز، بنگرید به طرح «خانه، خانواده، امید، کار» که از طریق آن، جوانان یک جامعه می توانند با همکاری و تعاون و با کمترین هزینه، صاحب خانه، همسر، کار و درآمد

- تعادل بین ملاحظات اقتصادی و زیست محیطی چگونه حفظ می شود تا هم از هزینه ها و هم از آسیب های احتمالی به طبیعت پیشگیری گردد؟

- بهترین ساختار حقوقی (نوع شرکت) برای تاسیس کسب و کارهای جامعه سالم کدام است؟

- برای تبادل کالا و خدمات بین اهالی و یا تجارت بین دو جامعه سالم، آیا گزینه های جایگزین و یا مکمل برای پول، مثل مبادله کالا با کالا یا مبادله پایاپای خدمات، در نظر گرفته خواهد شد؟

#### ● چالش اداره امور محلی

در این حوزه نیز همانند حوزه اقتصادی، ایده آل عدالت و پرهیز از استثمار، سمت و سوی کلی جوامع سالم را مشخص کرده است، اما راهکارهای مشخصی مبنی بر اینکه این ایده آل ها در عمل چگونه تحقق خواهد یافت وجود ندارد. در این حوزه نیز، یافتن پاسخ به سؤالات زیر به اهالی کمک می کند که راه خود را با همفکری و تلاش جمعی بیابند:

- تصمیمات چگونه گرفته می شود و از چه روش های تصمیم گیری برای چه نوع تصمیماتی استفاده خواهد شد؟<sup>۱۶</sup>

- اختلافات چگونه حل و فصل خواهد شد؟

- تصمیمات جمعی چگونه در سطح جامعه اعمال می گردد؟

- نقش رهبران محلی در جامعه سالم چیست و اهالی چه انتظاری از ایشان خواهند داشت؟

- همکاری و مشارکت جامعه سالم با جامعه بزرگتر و بهره گیری از امکانات حقوقی و اقتصادی آن به چه صورت خواهد بود؟

#### ● چالش ایجاد همدلی

برای رویارویی پیروزمندانه با چالش های بالا، اهالی جامعه سالم نیاز به چیزی دارند که اتحاد و پشتکار آنها را حفظ کند. این «چیز»، چشم اندازی واحد و مجموعه ای از ارزش هاست که تعهد و صمیمیت لازم بین اهالی را تداوم می بخشد. کار دستیابی به این درجه از همدلی و صیانت از آن،

---

<sup>16</sup> تا امروز شیوه های مختلفی برای تصمیم گیری گروهی در جوامع سالم به وجود آمده است. «رای گیری» یکی از این شیوه ها است، که شناخته شده تر است. اما رای گیری برای استفاده در جمیع موقعیت ها مناسب نیست. برای بحث کامل تری از این

موضوع، بنگرید به: [www.eabbassi.ir/consenfacilintroduction.htm](http://www.eabbassi.ir/consenfacilintroduction.htm)

خود از چالش های بزرگ اهالی محسوب می شود. جهت ایجاد همدلی در بین اعضای گروه، سؤالاتی چون نمونه های زیر را باید در ابتدای کار پرسید و پاسخ گفت:

- آیا تمامی اعضای گروه دارای یک چشم انداز واحد از آینده اند؟ آن چشم انداز چیست؟
- اعضای گروه، این چشم انداز را چگونه ترسیم می کنند و آن را در گذر زمان، به چه صورت توسعه خواهند داد؟
- چگونه می توان ضمن پابندی به تنوع در عضوگیری (از لحاظ نژادی، قومی، ملی، زبانی و فرهنگی و دینی)، انسجام و وحدت جامعه را حفظ کرد؟
- اعضای جامعه پابندی به چه ارزش ها، رفتارها و عملکردهای مشترک و متقابلی را از یکدیگر انتظار دارند؟
- میزان صمیمیت در معاشرت ها بین اعضا که بخشی از تکامل اجتماعی جامعه است به چه میزان خواهد بود؟<sup>۱۷</sup>

- شیوه های مختلف برای توسعه و تعمیق روابط دوستانه بین اهالی چه خواهد بود؟

- ارتباط و تعامل ساکنین جامعه سالم با افراد خارج از جامعه چگونه خواهد بود؟

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

• چالش بینش سیستمی (چالش «همه چیز را باهم دیدن»)

چالش دیگری که معمولاً از آن غفلت می شود چالش «بینش سیستمی» است. چه بسا بزرگترین چالش سازندگان جوامع سالم ضرورت پیش بردن همه فعالیت ها، در جمیع حوزه های نامبرده بالا، به موازات هم است. تجربه تمامی جوامع سالم تاکنون حاکی است که اجرای همزمان این خواسته ها، بسیار بیش از انتظار اعضای گروه، هم از نظر مالی و هم از لحاظ زمانی، هزینه بر است. از سوی دیگر، گاه تغییرات لازم در یک حوزه، با تغییرات در حوزه دیگر تداخل می کند و بر پیچیدگی کارها می افزاید. خلاصه اینکه، رویارویی همزمان با همه این فعل و انفعالات، تنگناهای مالی و چالش های عاطفی فراوانی در پی دارد که طبعاً، ارتباط انسانی بین اعضا را تحت فشار فوق العاده ای قرار می دهد. در مواردی که تلاش های مقدماتی برای تأسیس یک جامعه سالم با شکست روبرو شده، یکی از دلایل

---

<sup>17</sup> مثلاً در برخی جوامع سالم برای ایجاد همدلی و صمیمیت بیشتر در میان اهالی، حداقل یک وعده غذا در هفته به طور جمعی صرف می شود. در برخی دیگر از این جوامع، طبخ غذا در آشپزخانه ای مشترک، به صورت مشارکتی و به نوبت انجام می گیرد. این روش پخت و پز نه تنها صرف غذا به صورت گروهی در جامعه را تشویق می کند، بلکه موجب صرفه جویی عظیم در وقت خانوارها برای آشپزی و کاهش قابل توجهی در مصرف انرژی در جامعه می شود.

کلیدی، این بوده است که بنیانگذاران سعی کرده اند که بیش از توان و منابع موجود، هدف گیری کنند. «بینش سیستمی» به مؤسسين جوامع سالم کمک می کند که کار خود را، هوشیارانه و با حفظ اعتدال آغاز کنند به صورتی که بتوانند، در میان مدت و دراز مدت، به کار خود استمرار ببخشند.

پس «پایداری» فقط یک شاخص نیست که برای محک زدن به نتیجه نهایی کار، وقتی جامعه سالم به ثمر می رسد، به کار آید، بلکه پایداری بخشی از بینش و تفکر گروه از ابتدای کار است. ساختن یک جامعه سالم موفق، مستلزم پیشبرد همه فعالیت های لازم به طور متناسب و همزمان، در سه مرحله اصلی، در کلیه حوزه های چالشی بالاست. این سه مرحله شامل: (۱) تحقیق و طراحی، (۲) خلق و اجرا و (۳) نگهداری است.

همچنین، توجه به نمودار زیر برای روشن کردن ارتباط بین چالش های نامبرده، از لحاظ تقدم و تاخر، سودمند است:



این نمودار نه تنها بخش های مختلف سیستم را نشان می دهد، بلکه روشن می کند که پیروزی در برخی از چالش ها متکی به موفقیت در برخی دیگر از چالش هاست. سیستم زیستی و ساخت و سازها به لحاظ فیزیکی بودن ماهیت آنها، آشکارترین بخش های یک جامعه را تشکیل می دهند. این سیستم ها را به اصطلاح، «سیستم های بالایی» یا «سیستم های فوقانی» می خوانند. موفقیت در این سیستم ها متکی به موفقیت در طراحی و مدیریت درست سیستم های میانی، یعنی اداره امور محلی و سیستم اقتصادی جامعه است. به همین سیاق، موفقیت در سیستم های میانی بر توانایی اهالی در ایجاد همدلی در جامعه استوار است. و دست آخر، موفقیت در تمامی این سیستم ها به این بستگی دارد که آیا اعضای گروه قادر اند که تمامی این فعالیت ها را به صورت یک سیستم یکپارچه ببینند.

باتوجه به پیچیدگی های هر یک از چالش های نامبرده، تعجب آور نیست که هیچ یک از جوامع سالمی که تاکنون شکل گرفته است هنوز مصداق کاملی از جامعه سالم ایده آل نیست. اما آنچه مایه خوشحالی و امیدواری است ظهور گروه هایی از مردم است که رویارویی با این چالش ها را عملاً پذیرفته اند و پیشرفت های قابل توجهی در هر یک از این حوزه ها بدست آورده اند. حتی در مورد برخی از این جوامع پیشگام می توان گفت که آنها فاصله چندانی با ایده آل ندارند. با توجه به این دستاوردهای عظیم به عنوان تجارب عملی آموزنده، آندسته از افرادی که تازه امروز به تأسیس یک جامعه سالم می اندیشند، کار بزرگ پیش روی خود را از صفر آغاز نخواهند کرد.

### توسعه جامعه سالم: هشت گام بنیادین

اگرچه جلوه های فیزیکی شهرها و روستاها، مثل خانه ها، مزارع و باغات، بیشتر و بیشتر از هر چیز دیگر به چشم می آید، اما در مصاحبه با پیشگامان توسعه جوامع سالم دنیا ما پی بردیم که سامان دادن به این جنبه های فیزیکی جامعه سالم، ساده ترین بخش کار است. وانگهی، بناها و مزارع، بسته به شرایط محلی، قصد و نیت ساکنین و ترکیب جمعیتی جامعه، در جاهای مختلف دنیا بسیار متفاوت و متنوع اند و لذا نمی توان از مشترکات زیادی در این حوزه ها سخن گفت. بنابراین، در انتخاب هشت گام بنیادینی که در اینجا آورده ایم، تمرکزمان را بر چیزی مشترک و دشوارتر، یعنی «فرآیند جامعه سازی» قرار داده ایم.

۱. در این راه، سفر مهم تر از مقصد است.

اگر از ابتدای کار، تصویری شسته و روفته از جامعه سالم با ویژگی هایی کاملاً منطبق با سلايق شخصی خود در سر پرورانده اید، بدانید که تجربه ای دشوار و دلسرد کننده در پیش خواهید داشت. برعکس، آن دسته از افرادی که ماهیت گروهی و مشارکتی کار جامعه سازی را درک می کنند و بدون دلبستگی به آرزوهای شخصی خود در این راه گام می نهند، بدون شک تجربه ای بسیار رضایتبخش تر خواهند داشت. فرآیند جامعه سازی، کار یک روز و دو روز نیست و معمولاً چندین سال طول می کشد. به طور کلی، سه شرط اخلاقی برای تحقق جامعه سالم وجود دارد: محبت، پشتکار و صبر. و صبر از همه مشکل تر است. فرآیند جامعه سازی، جریانی تکاملی است و واقعا هرگز به پایان نمی رسد و لذا لازم است که اعضای گروه دریابند، هرچه زودتر بهتر، که راز تداوم فرآیند جامعه سازی این است که این سه شرط، توسط همگان، گرامی داشته شود.

## ۲. چشم انداز مشترک شما چیست؟

با روی کاغذ آوردن یک چشم انداز مشترک، بنیانگذاران یک جامعه سالم اولین گام جمعی خود به سوی ایجاد تعهد نسبت به راه پر فراز و نشیب اما هیجان انگیز و ارزشمندی که با هم آغاز کرده اند را بر می دارند. این چشم انداز قرار نیست که فقط یک تصویر ذهنی و بی روح از آینده باشد، بلکه باید ترکیبی از ایده آل های اعضای گروه باشد که جملگی نسبت به آن شور و شوق قلبی احساس می کنند. پس از تکمیل این تصویر ایده آل، لازم است که با کلماتی روشن و در چند جمله کوتاه به رشته تحریر درآید. روش های مختلفی برای رسیدن به یک چشم انداز گروهی وجود دارد. از هر یک از این روش ها که استفاده می کنید، فراموش نکنید که هر از چند گاهی لازم است که در این چشم انداز بازنگری شود تا جذابیت آن در طول زمان حفظ شود.

## ۳. درخت دوستی بنشانید.

چشم انداز مشترک گروه، همدلی مؤثری برای ادامه کار فراهم می کند. دوستی نیز از جمله چیزهایی است که همدلی را تقویت می کند و برای پیشبرد فرآیند جامعه سازی اساسی است. درخت دوستی ثمراتی چون اعتماد و درک متقابل، رأفت، و پیوندهای محکم انسانی را به بار می نشاند. برقراری پیوند دوستی با دیگران همیشه آسان نیست. اما انجام کارهای عادی زندگی به صورت گروهی، کارهایی مثل سر یک سفره نشستن، با هم سفر کردن، و از خاطرات زندگی برای یکدیگر تعریف کردن، ایجاد و تقویت دوستی بین انسان ها را آسان تر می کند.

## ۴. چشم از هدف برندارید.

هدف، جامعه سازی است، اما پس از نگارش چشم انداز جمعی و آغاز پیوند دوستی بین اعضا، گروه باید توجه و همت خود را از کلیات متوجه جزئیات کند. و این دقیقاً مقطعی است که تفاوت های فردی، اختلاف سلیقه ها و نظرات مختلف، شروع به خودنمایی و ایجاد افتراق می کند: برخی افراد ترجیح می دهند که کارها با برنامه ریزی دقیق و به ترتیب خاصی انجام گیرد، ولی برخی دیگر مایل اند که در دم آستین بالا بزنند و کارایی و تأثیر اندیشه های خود را در عمل و بدون فوت وقت بیازمایند. چالش کلی گروه در این مقطع این است که رابطه ای سازنده بین این دو تمایل متضاد ایجاد کنند. واقعیت این است که برای پیشبرد کارها، گروه به هر دو رویکرد نیاز دارد.



۵. از دیگران کمک بگیرید اما با نیت خوداتکا شدن.

همه چیز را همگان دانند. پس کسی نمی تواند ادعا کند که خود به تنهایی دانش و مهارت کافی برای انجام همه امور را دارد، حتی اگر این «کس»، گروهی با انگیزه و پر انرژی باشد. کارهایی که قابلیت انجام آن در میان اعضای گروه وجود ندارد را به افراد صاحب تجربه از خارج از گروه بسپارید. اما در حین انجام کار، تلاش کنید مهارت ها را به تدریج فرا گرفته و همگانی کنید. ضروری است که بودجه کافی برای آموزش مهارت ها در جمیع کارها و برای تمامی اعضا، به ویژه در مدیریت و ارتباط انسانی که بهره برداری مشارکتی از منابع را در جامعه میسر می سازد، در نظر گرفته شود. فقدان درک همگانی از جزییات مدیریت و عدم آشنایی همگی اعضا با مهارت های ارتباطی، مثل گفت و شنود، میانجیگری و پادرمیانی و تصمیم گیری های گروهی، از جمله دلایل اصلی شکست فرآیند جامعه سازی در گذشته بوده است.

۶. کمی بوروکراسی لازم است.

بین دوستان صمیمی، صحبت از مقررات، نجسب و نامأنوس است. اما تجربه تلخ بسیاری از بنیانگذاران جوامع سالم در گذشته حاکی است که کمی بوروکراسی لازم و سودمند است. به ویژه، داشتن آیین نامه های روشن و مکتوب، در موارد حساسی چون روش های تصمیم گیری، رفع اختلاف، حسابرسی و عضوگیری، از بروز اختلافات در جامعه جلوگیری می کند. به مرور زمان گروه ها تغییر می کنند و لذا مقررات مرتبط با انجام کارهای مختلف هم باید قابل تغییر باشند. پس مقررات مرتبط با چگونگی تغییر آیین نامه ها نیز باید به طور روشن و مکتوب تدوین شود. با کسب تجربه و پخته تر شدن گروه، به تدریج از نیاز به تغییر در آیین نامه ها، کاسته می شود و جامعه از ثبات بیشتری در نحوه انجام کارها، به گونه ای که در رسومات و سنت های جوامع قدیمی تر دیده می شود، بهره مند می گردد.

۷. اعتدال را کلید پایداری بدانید.

جامعه سالم حاصل تلاش در بسیاری از زمینه هاست. مسلماً نمی توان تک تک این زمینه ها را در اینجا برشمرد و درباره چگونگی رعایت اعتدال و انصاف در هر مورد صحبت کرد. اما حفظ اعتدال در کلیات زیر، به موفقیت در جمیع زمینه ها کمک می کند. حفظ اعتدال بین:

الف) عمومی و خصوصی.

انسان ها به هر دو نوع تعامل نیاز دارند و لذا در جامعه، فضای مناسب برای هر دو باید فراهم شود.

ب) امروز و فردا.

اعتدال بین امروز و فردا یعنی نجات از افراط و تفریط در جمیع امور. هیجان و اشتیاقِ بیش از حد برای تسریعِ نفس گیرِ کارها، جامعه را با خستگیِ مفرط و بریدن تهدید می کند. از سوی دیگر، پشت گوش انداختن و تأخیرهای طولانی در کارها، جامعه سالم را به جمعیتی پرحرف و کم عمل تبدیل می کند.

ج) «نرم افزار» و «سخت افزار».

برای برخی، زیستن در جامعه ای مجهز به انواع تجهیزاتِ پایداری، مثل پانل های خورشیدی و توربین های بادی برای تولید انرژی، مزارع و باغات و باغچه های ارگانیک برای تولید محصولات تازه و سالم خوراکی، کاملاً ارضا کننده است. اما برای برخی دیگر از افراد، امنیتِ عاطفیِ زیستن در یک جامعه صمیمی و نزدیک، بیشتر از جنبه های فیزیکی و ملموسِ جامعه مطلوب است. تجربه نشان می دهد که گاه، بسته به موقعیت، باید وقت و منابع بیشتری صرف یکی از این دو جنبه از تکامل جامعه کرد. اما در دراز مدت، حفظ اعتدال بین این دو نوع توسعه، یعنی توسعه نرم افزاری و توسعه سخت افزاری، الزامی است. از این رو، صرفنظر از علایق و سلیقِ شخصی، همه اعضا باید از هر دو نوع پیشرفت در جامعه سالم خود، استقبال و حمایت کنند.

د) عشق، عقل و اراده.

جامعه ای نیست که از ترکیبی موزون و متعادل از تکامل این سه تمایلِ فطری آدمی سود نبرد. محبت، نועدوستی و اعتمادِ متقابل بین اعضا، نشانگرِ پیشرفتِ دلیِ اعضای جامعه است. بصیرت، شناختِ درست و رفتار اخلاقیِ اهالی، حاکی از پیشرفتِ عقلانی، و تبلورِ شهامت و مهارت در انجام کارها شاخصِ پیشرفتِ ارادی جامعه است.

ه) اسلوب های مختلف یادگیری و شناخت.

یادگیری و شناخت از ویژگی های مشترک همه انسان هاست. اما اسلوب های یادگیری انسان ها با هم متفاوت است. در بسیاری از موارد، اختلافات در گروه ها نه به واسطه اختلاف نظر بر موضوع اصلی، بلکه به واسطه اسلوب های متفاوت یادگیری بین اهالی است.

برای مثال، برخی از اشخاص ترجیح می دهند که ابتدا موضوعی را مورد بحث و گفتگو قرار دهند و سپس نتیجه گفتگوی خود را عملی کنند. بعضی دیگر از اشخاص مایل اند که اول عمل کنند و سپس در مورد نتیجه کار خود گفتگو کنند. افراد دیگری هم هستند که فقط عمل می کنند و نیازی به گفتگو نمی بینند. و در مقابل این افراد، هستند اشخاصی که با عمل اصلاً میانه ای ندارند و دوست دارند فقط در مورد کارها صحبت کنند. اگر نتوان بین این چهار تمایل، ترکیب متناسبی از اراده ها برای انجام کارهای پیش رو به وجود آورد، فعالیت های جمعی گروه به عرصه ای برای بروز انواع اختلافات و نزاع ها بدل خواهد شد. رویارویی پیروزمندانه جامعه با این چالش در گرو توانایی او در ایجاد ترکیب های متناسبی از فعالیت ها از یک سو و دسته بندی افراد با تمایلات سازگار از سوی دیگر است.

(و) مصرف، سرمایه گذاری، خدمت.

اساساً پایداری یعنی رعایت انصاف و اعتدال در طول زمان. رعایت اعتدال و انصاف در هزینه کرد منابع مالی و وقت جامعه یکی از مؤثرترین راه های تلاش هدفمند برای رسیدن به پایداری است. حفظ اعتدال در هزینه کرد این دو منبع مهم، در سه حوزه موازی قابل رصد، سنجش و مدیریت است: مصرف امروز، سرمایه گذاری برای بهره برداری در آینده و خدمت به دیگران.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

مصرف، استفاده کنونی از بسیاری از چیزها، از مواد غذایی گرفته تا انواع لوازم و فعالیت های تفریحی و سرگرم کننده برای گذران اوقات فراغت، را در بر می گیرد. زمان بهره دهی مصرف، همین حالا است. اما سرمایه گذاری، فعالیت هایی چون پس انداز، ساخت و ساز و آموزش را در بر می گیرد. زمان بهره گیری از این فعالیت ها، آینده است. خدمت به دیگران نیز شامل فعالیت هایی است که در آن، کس یا کسان دیگری نفع می برند. این فعالیت ها ممکن است به هزینه کرد منابع در هر یک از دو حوزه - یعنی مصرف و سرمایه گذاری - بیفزاید. اما نکته مهم این است که زندگی سالم می طلبد که بین مصرف کنونی و سرمایه گذاری برای آینده موازنه برقرار شود.

خدمت به هممنوع، به گونه ای که در حد اعتدال و به صورت پایدار باشد، می تواند به صورت ساز و کاری تعدیل کننده برای پرهیز از مصرف اسرافکارانه در زمان حال و جمع کردن و اندوختن افراطی برای سرمایه گذاری جهت بهره برداری در آینده عمل کند. خدمت به هممنوع مستلزم از خود گذشتگی است. لذا خدمت، خود به خود، از تمرکز افراطی بر خود می کاهد. در عین حال، خدمت رسانی

متعادل و پایدار اقتضا می کند که منابع کافی برای تأمین خدمتگذاران کنار گذاشته شود تا ایشان بتوانند در ارائه خدمات تداوم داشته باشند.

۸. باز و صادق باشید.

وقتی پای چیزهایی چون پول و قدرت به میان می آید، احتمال بروز اختلاف، مناقشه و رنجش خاطر بیشتر می شود. اما دو دستگی ها و چند دستگی هایی که ممکن است در ارتباط با پول و قدرت در جوامع سالم به میان آید بیشتر در مورد رفتارهایی است که احتمالاً از دید دیگران، پنهانکاری، عدم شفافیت و بی صداقتی به نظر می آید. به بیان دیگر، وقتی ظاهر و باطن قضایا با هم فرق می کند، بستر اجتماعی برای بروز اختلاف فراهم می شود.

موضوع قدرت از جمله مواردی است که دارای پیچیدگی های خاص خود است که اهمیت باز و شفاف بودن را نشان می دهد. بسیاری از ساکنین جوامع سالم، تساوی در قدرت را ایده آل جامعه خود می دانند در صورتی که چنین برابری در جوامع بشری اساساً غیرممکن است. همواره و در همه جا، مراتبی از قدرت و نفوذ در بین مردم وجود دارد. باور به ایده آل تساوی کامل افراد با هم در این مورد، بسان پرده ای، ما را از واقعیت تفاوت در قدرت و نفوذ در جامعه غافل می کند. سوء استفاده از قدرت از یک سو و دلسرد شدن افراد از اتخاذ نقش رهبری در مواقعی که ایفای چنین نقشی ضروری است از سوی دیگر، از نتایج تراژیک چنین غفلتی است.

رویکردی سالم برای پرهیز از اینگونه تراژدی ها، اذعان به وجود این تفاوت است مادامی که تلاش برای دستیابی به ایده آل برابری قدرت و نفوذ همگان ادامه می یابد. یا اینکه گروه می تواند ایده آل های خود را به گونه ای بیان کند که با پیچیدگی های جامعه بشری تناسب بیشتری داشته باشد. مثلاً در این مثال، به جای «برابری کامل همگان در قدرت و نفوذ»، برابری همگان در «برخوردارگی از انصاف» ایده آل جامعه قرار گیرد.

---

\* رابرت گیلمن را می توان یکی از سخنگویان توانای نهضت جامعه سالم در جهان برشمرد. وی از طریق مجله In Context و وب سایت Context Institute، به مدت بیش از سه دهه، نقش قابل توجهی در اشاعه آگاهی ها و

---

مهارت های لازم برای نقش آفرینی بیشتر مردم در ایجاد ساختارهای مناسب جدید به منظور عبور از کاستی های توسعه صنعتی ایفا کرده است. نوشته های متنوع وی در حوزه اقتصاد، معنویت، ساده زیستی، علوم زیست محیطی، ساخت و ساز و پایداری را از طریق سایت زیر بخوانید.

<http://www.context.org/about/who-we-are/robert-gilman/>

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)